



بررسی دیدگاه محدثین و مستشرقین درباره تاریخ تدوین سنت نبوی

پوهنوال دکتور محمد معروف حنیف

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل

maroof.heravi@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0000-2186-7939>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

تاریخ تدوین سنت نبوی یکی از موضوعات اساسی در حوزه‌ی علوم حدیث است که همواره مورد توجه محدثین و مستشرقین قرار داشته است. محدثین با تکیه بر منهج نقادانه‌ی جرح و تعدیل، بررسی دقیق اسناد، و دقت در ضبط و روایت، بر این باور اند که سنت نبوی از همان صدر اسلام به شکل مکتوب و شفاهی حفظ و منتقل گردیده است. در مقابل، بسیاری از مستشرقین با رویکرد انتقادی و تاریخی، مدعی اند که تدوین حدیث در قرون دوم و سوم هجری شکل گرفته و متأثر از شرایط اجتماعی - سیاسی آن دوره بوده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی - تطبیقی به بررسی دو دیدگاه یاد شده پرداخته و تلاش می‌کند دلایل هر دو گروه را آشکار سازد. هدف اصلی این تحقیق توضیح دیدگاه محدثین و مستشرقین در مورد تاریخ تدوین سنت نبوی و توضیح مراحل مختلف جمع‌آوری سنت نبوی، تحلیل و تعلیل روایات که در مورد منع کتابت از سنت آمده می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیدگاه محدثین، به دلیل استناد به منابع اصیل، روش‌های علمی در نقد حدیث، و شواهد تاریخی معتبر، از پشتوانه‌ی علمی و دینی محکمی برخوردار است؛ در حالی که دیدگاه بسیاری از مستشرقین متکی بر فرضیات تاریخی و پیش‌فرض‌های انتقادی غربی است. نتیجه‌نهایی تحقیق نشان داده است که فهم صحیح از تاریخ تدوین سنت نبوی، نیازمند تلفیق رویکرد علمی محدثین با بررسی‌های تاریخی منصفانه است تا از افراط و تفریط در تحلیل‌ها جلوگیری شود.

کلید واژه‌ها: تدوین حدیث، سنت نبوی، کتابت حدیث، محدثین، مستشرقین

A Critical Examination of the Perspectives of *Muhaddithīn* and Orientalists on the History of the Compilation of the Prophetic Sunnah

Author | **Muhammad Maroof Hanif**
 Email | Department of Islamic Studies, Sharia Faculty, Kabul University
 Orcid | maroof.heravi@gmail.com
 | <https://orcid.org/0009-0000-2186-7939>

Abstract

The compilation of the Prophetic Sunnah represents a foundational subject in Hadith studies, receiving continuous attention from both *Muhaddithīn* and Western orientalists. *Muhaddithīn*, employing rigorous methodologies such as *al-jarh wa al-ta'dil*, *isnād*, and meticulous accuracy in narration, argue that the Sunnah was safeguarded and transmitted both orally and in writing from the earliest days of Islam. In contrast, many orientalists, using historical-critical methods, claim that systematic Hadith compilation emerged primarily in the second and third centuries AH under the influence of prevailing socio-political contexts. This study adopts an analytical-comparative approach to examine these perspectives, aiming to shed light on the evidence and arguments of both sides. The findings demonstrate that the position of *Muhaddithīn*, grounded in authentic sources, methodological precision, and credible historical evidence, provides a more solid scholarly and religious foundation. Conversely, the orientalist viewpoint often relies on speculative historical hypotheses and Western presuppositions. The study concludes that a balanced and accurate understanding of the history of Sunnah compilation necessitates combining the methodological rigor of *Muhaddithīn* with fair and objective historical analysis, thereby preventing extremism or reductionism in interpretation.

Keywords: Hadith compilation, Prophetic Sunnah, *Muhaddithīn*, Orientalists, Islamic studies.

مقدمه

سنت نبوی به عنوان دومین منبع اساسی شریعت اسلامی، پس از قرآن کریم، نقشی تعیین کننده در تبیین احکام، اخلاق و آموزه‌های دینی داشته و دارد. در حقیقت سنت نبوی به منزله‌ی شرح و توضیح قرآن کریم می‌باشد؛ عام قرآن را خاص، مطلق آن را مقید، و مجمل آن را تفسیر و مفهوم آن را آشکار می‌نماید؛ همچنین اگر در فهم آیات، اشکال و اختلافی پیش آید، سنت آن را برطرف می‌نماید؛ الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]. «قرآن را بسوی تو نازل نمودیم تا آنچه را که برای مردم، نازل شده است، بیان کنی».

از همان آغاز اسلام، تلاش‌های فراوانی برای حفظ، ضبط و انتقال سنت نبوی صورت گرفت؛ برخی از این تلاش‌ها در قالب روایت شفاهی و برخی دیگر به صورت مکتوب شکل گرفته است. از جمله مسایل بحث برانگیز موضوع نوشتاری و تدوین سنت می‌باشد که در این مقاله به‌طور مفصل پیرامون آن بحث صورت گرفته است.

تبیین مسأله

تاریخ تدوین سنت نبوی یکی از مباحث بنیادی در حوزه حدیث و علوم حدیث به شمار می‌رود که همواره مورد توجه محدثین کرام بوده و پژوهش‌های علمی را به جامعه تقدیم نموده اند. محدثین کرام با توجه به روایات صحیح و ثابت موضوع نوشتاری سنت را به سه مرحله تقسیم نموده، اولاً مرحله کتابت که این مرحله در عصر رسالت آغاز گردیده و تا اواخر قرن اول ادامه دارد. تدوین به شکل رسمی توسط خلیفه عادل عمر بن عبد العزیز و این مرحله از اواخر قرن اول آغاز گردیده و تا اوایل قرن سوم ادامه داشت. مرحله تصنیف که این مرحله به تعقیب مرحله تدوین و یا همراه با آن آغاز گردیده و تا اواخر قرن پنجم ادامه داشت. و کتاب‌های گران سنگ از خود بجا گذاشتند و این موسوعات علمی به اشکال مختلف و گوناگون ترتیب و تهیه گردید مانند موطأت، مسانید، صحاح، سنن، معاجم، اجزاء، مستدرکات و مستخرجات و غیره. آن‌عه از محدثین که بعد از قرن پنجم قد علم نمودند روی همین منابع علمی معتبر خدمات شایان را تقدیم نموده اند.

در مقابل مستشرقین با رویکردهای غیر علمی و پژوهش‌های ناقص، بر این باور اند که فرایند تدوین و جمع‌آوری منسجم حدیث در قرون دوم و سوم هجری رخ داده و تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران شکل گرفته است.

این اختلاف دیدگاه میان محدثین و مستشرقین نه تنها اهمیت بررسی دوباره تاریخ تدوین سنت نبوی را برجسته می‌سازد، بل که ضرورت بازخوانی شواهد تاریخی، تحلیل روش‌شناسی طرفین و

مقایسه انتقادی این دو رویکرد را نیز آشکار می‌کند. بنابراین، تحقیق حاضر می‌کوشد، ابعاد مختلف این دیدگاه‌ها را بررسی کرده و نقاط قوت و ضعف هر یک را روشن سازد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: سنت نبوی براساس دیدگاه محدثین و مستشرقین در کدام زمان تدوین یافته است؟
پرسش‌های فرعی

۱. مفهوم سنت و حدیث چیست؟ و آیا این دو واژه از یکدیگر متفاوت است؟
۲. تدوین سنت در چند مرحله تحقق یافت؟
۳. اهداف مستشرقین در مورد حرکت تدوین سنت نبوی چیست؟
۴. آیا کدام تفاوت در میان کتابت و تدوین و تصنیف وجود دارد؟
۵. آیا روایات منع از کتابت سنت نبوی منسوخ گردیده است؟

اهمیت تحقیق

سنت نبوی در طول چهارده قرن که از عمرش می‌گذرد، جولانگاه اندیشه‌ها و واکنش‌های مختلف از طرف مکاتب فکری مختلف بوده است. از میان ادوار مختلف تاریخی، بی‌تردید، سرنوشت سازترین دوره‌های سنت، سه قرن اولیه‌ی اسلام می‌باشد. که در این مدت محدثین کرام خدمات ارزنده در برابر سنت نبوی انجام داده و از اثر همان سعی و تلاش خستگی‌ناپذیر آن‌ها سنت نبوی از تحریف و هرگونه دست برد محفوظ ماند.

در مقابل مستشرقین در راستای از بین بردن سنت از هیچ وسیله‌ی دریغ نورزیده‌اند، که مهمترین وسیله ادعای تاخیر تدوین و جمع‌آوری سنت که در نتیجه دستخوش تحریف و تغییر قرار گرفته است.

ما در این مقاله سعی می‌ورزیم که دیدگاه محدثین و مستشرقین را پیرامون حرکت تدوین سنت بررسی کنیم. و مراحل مختلف و ادوار تدوین را مورد موشگافی قرار دهیم، و در نهایت تاثیر این دوره‌ها را در حفظ و صیانت سنت، در یابیم.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: توضیح دیدگاه محدثین و مستشرقین در مورد تاریخ تدوین سنت نبوی
اهداف فرعی

۱. توضیح مفهوم سنت و حدیث، و تحلیل تفاوت‌ها در میان این دو واژه.
۲. توضیح مراحل مختلف جمع‌آوری و تدوین سنت
۳. توضیح اهداف مستشرقین در مورد حرکت تدوین سنت نبوی
۴. جمع‌آوری روایات در مورد تاریخ تدوین سنت و تحلیل آن‌ها

۵. تحلیل وتعلیل روایات که در مورد منع کتابت از سنت آمده.

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد تاریخ تدوین سنت، دانشمندان مخصوصاً محدثین کرام کتاب‌ها و جزوه‌های علمی و تخصصی تحریر داشته‌اند، از آنجمله: اولین کسی که در این موضوع قدم گذاشته و چیزی را به رشته تحریر آورد امام شافعی بود. سپس امام رامهرمزی کتابی را به‌طور مستقلانه در بخش علوم الحدیث می‌نویسد، و در آن از مسایل کتابت و تدوین سنت بحث‌های را ارایه می‌دهد، ولی این کتاب تمام مسایل در این زمینه را احتوا نمی‌کند چون در بخش علوم الحدیث به‌طور عام نگاه‌شده است. سپس حافظ خطیب بغدادی قدم به عرصه وجود می‌گذارد و کتاب گرانسنگ خود را به نام تقييد العلم تالیف می‌نماید. وی در این کتاب روایات اباحت و منع کتابت سنت را جمع‌آوری می‌نماید که در حقیقت این امر گوشه از موضوع تدوین سنت را بحث نموده است. سپس حافظ ابن عبد البر کتاب را تحت نام "جامع بیان العلم وفضله" نوشت. این کتاب در بخش اول به قضیه کتابت سنت و صحیفه‌های نوشته شده در عصر پیامبر و صحابه و تابعین پرداخته است. بعداً محدثین کرام هرکدام که در بخش علوم الحدیث کتاب و یا جزوه را نوشته نمودند، اشاره به برخی موضوعات این علم نیز نموده‌اند. از جمله بهترین کتاب‌های که در بخش علوم الحدیث تحریر گردیده و به موضوع کتابت و تدوین سنت پرداخته و اشاره به مصنفات و کتاب‌ها در زمینه نموده کتاب‌های بعضی از معاصرین می‌باشد مانند:

قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث از محمد جمال الدین بن محمد القاسمی. علوم الحدیث و مصطلحه - عرض ودراسة از دکتور صبحی إبراهيم الصالح. اصول الحدیث، علومه، و مصطلحه، از دکتور محمد عجاج الخطیب، این کتاب‌ها گرچه اساساً به توضیح قواعد علوم الحدیث پرداخته‌اند ولی در ضمن مباحثی را به آغاز کتابت سنت و تاریخ تدوین آن اختصاص داده‌اند.

همچنین عده از محدثین در ضمن دفاع از سنت نبوی و پاسخ از شبهات مستشرقین، مباحث و مطالب را در مورد تدوین سنت درج کتاب‌های خویش نموده‌اند، از آنجمله:

دفاع عن السنة ورد شبه المستشرقين والكتاب المعاصرين. از محمد بن محمد أبو شهبه. السنة ومکاتنها فی التشريع الاسلامی. از دکتور مصطفى بن حسنی سباعی. حجیة السنة، از دکتور عبدالغنی عبدالخالق. هرکدام از دکتور ابوشهبه و سباعی و عبد الخالق مباحث مستقل را در مورد تدوین سنت در ضمن رد بر شبهات منکرین سنت و مستشرقین تحریر نموده‌اند.

در طرف مقابل مستشرقین و سپس شاگردان و پیروان آن‌ها در مورد سنت از ناحیه تاریخی آن شبهات عدیده را کاشتند، و آن را درج کتاب‌ها نمودند، از آنجمله:

دراسات محمدية، العقيدة و الشريعة فى الإسلام، تاریخ التطور العقدى و التشريعى فى الدين الإسلامى، همه از مستشرق مشهور گلدزیهر. وی در این کتابها کتابت سنت را در عصر رسالت و خلافت راشده تا قرن دوم انکار نموده که هیچ روایتی نوشته نشده است. أصول الفقه المحمدى، از جوزف شاخ. وی در این کتاب نظریات متعدد را پیرامون تاریخ تدوین سنت ارایه می دهد و قبل از قرن سوم را بعید می داند. أضواء على السنة المحمدية، از محمود أبورية. فجر الاسلام، ضحى الإسلام، ظهر الاسلام، يوم الاسلام این کتابها از أحمد أمين.

کتابهای فوق در پهلوی انکار سنت و تکذیب آن و عدم احتجاج و استدلال به آن، شبهات را در زمینه تدوین سنت نیز اختراع نمودند. بنابراین محدثین بزرگوار قد علم نموده و تمام این شبهات را پاسخ دادند، و کتابهای ارزشمندی را در بخش تاریخ سنت نبوی از خویش بجا گذاشتند، از آنجمله:

الحديث والمحدثون. از ابو زهو محمد محمد. السنة قبل التدوين، از محمد عجاج بن محمد تميم بن صالح بن عبد الله الخطيب. دراسات فى الحديث النبوى و تاريخ تدوينه، از دكتور محمد مصطفى الأعظمى.

اهتمام المحديثين بنقد الحديث سنداً و متناً و دحض مزاعم المستشرقين و أتباعهم، از دكتور محمد لقمان.

دراسات فى السنة النبوية، محمد ضياء الرحمان أعظمى. بحوث فى تاريخ السنة المشرفة از دكتور أكرم بن ضياء العمرى. تدوين السنة النبوية نشأته و تطوره من القرن الأول إلى نهاية القرن التاسع الهجرى، از محمد بن مطر بن عثمان آل مطر الزهرانى. تدوين السنة النبوية فى القرنين الثانى و الثالث للهجرة از دكتور محمد بن صادق بنكيران.

التدوين المبكر للسنة بين الدكتور صبحى الصالح و المستشرقين از دكتور ماجد أحمد نيازى، السير الحديث فى تاريخ تدوين الحديث، از دكتور محمد زبير الصديقى. تدوين السنة و منزلتها از عبد المنعم السيد نجم. مفتاح السنة أو تاريخ فنون الحديث، از محمد عبدالعزيز الخولى.

این کتابها را از نظر محتوی و نگارش می توان به چند دسته تقسیم نمود، برخی از آنها تاریخ تدوین سنت نبوی را به شکل بسیار مختصر و فشرده بحث نموده اند، لذا بسیاری از موضوعات را مورد بحث و بررسی قرار نداده اند. و برخی دیگر مانند کتاب الحديث و المحدثون به تفصیلات خسته کن و ملال آور پرداخته و در عین زمان از تسلسل تاریخی و اکثریت مسایل تغافل نموده اند. و برخی دیگر دو قرن و یا سه قرن اول را مورد بحث و بررسی قرار داده اند. اکثر این کتابها یک دیدگاه را مورد بحث و بررسی قرار داده اند، دیدگاه و دلایل مخالفین خویش را هیچ ذکر نکرده اند.

وهیچ کدام از این کتاب‌ها مولفات را طبقه بندی حسب زمان وفیات ننموده اند. وهم چنین به تنوع تصنیف در دوره های مختلف نپرداخته اند. و هرکدام از این مولفه‌ها یک بخش را تفصیل داده اند اما خیلی بخش‌ها را بحث کوتاه نموده ویا هیچ به آن نپرداخته اند. که این مباحث پراکنده وکوچک عطش خواننده را مرفوع نمی سازد. وهم چنین هیچکدام از کتاب‌های مزبور به‌طور مقایسوی تحریر نگردیده است.

اما تحقیق حاضر روی یک موضوع خاص همانا تاریخ تدوین سنت نبوی بر اساس دیدگاه محدثین و مستشرقین و مقایسه درمیان آن‌ها صورت گرفته است.

روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ی با شیوه تحلیلی مقایسوی تهیه و ترتیب گردیده است. در این تحقیق سعی ورزیده شده که از منابع دست اول استفاده صورت گیرد و با کمال امانت داری نظریات جانبین را با دلایل آن‌ها ذکر نمودیم و سپس آن‌ها را تحلیل و تجزیه ودر اخیر یافته‌های علمی را بعد از بحث و تحقیق واضح ساختیم.

نتایج و یافته‌ها

مفهوم سنت و حدیث

تعریف سنت در لغت : سنت در لغت به چند معنی آمده است از جمله: راه و روش، چه پسندیده باشد و چه ناپسند. و جمع آن سُنن است. (سباعی: ۱۹۸۲م. ۴۷) چنان‌که جریر بن عبدالله از پیامبر اکرم علیه السلام روایت نموده است: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، مَنْ غَيْرَ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ، وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ، مَنْ غَيْرَ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ». (قشیری: ۲ / ۷۰۵) «هر کس در اسلام، روش نیکویی را پایه گذاری نماید، پاداش آن و پاداش عمل کسانی که بعد از او به آن، عمل نمایند، به او میرسد بدون اینکه از پاداش بعدی‌ها چیزی بکاهد. و هر کس در اسلام، روش بدی را پایه گذاری نماید، گناه آن، و گناه کسانی که بعد از او به آن، عمل کنند، به او می‌رسد بدون اینکه از گناهان بعدی‌ها چیزی بکاهد».

بعضی از اهل لغت هم آن را به راه راست و نیک اطلاق کرده نه غیر آن و گفته رایج که فلائی اهل سنت است همین معنی را می‌رساند. (شوکانی: ۱۹۹۹م. ۵۵) دکتور عبدالغنی می‌گوید: در واقع اجماع علمای لغت بر همین مطلب قرار گرفته، آیات و احادیث نیز آن را تأیید می‌نمایند. (عبدالخالق: ۱۹۹۳م. ۴۶)

هم‌چنان سنت به معنی تداوم و استمرار است، که بر انجام آن مواظبت شود، به گونه‌ی که فعل به موجب آن تکرار گردد. (زیدان، ۱۶۱) چنان‌چه الله متعال فرموده است: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا

سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ نَحْدِلَ إِسْتَنَّتِ اللَّهُ تَبْدِيلًا ﴿۴۳﴾. [فاطر: ۴۳] ترجمه: «پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت‌الله تعالی دگرگونی نخواهی یافت». کتاب‌های لغت به معانی دیگری غیر از این معانی نیز اشاره نموده‌اند که از ترس اطاله سخن از آن صرف نظر نمودیم.

تعریف سنت در اصطلاح: محدثین، فقها و اصولیین هر یک تعاریف مجزایی از سنت ارائه داده‌اند؛ البته تفاوت اصطلاحات مزبور، ناشی از تفاوت اهدافی است که هر گروه، دنبال می‌کنند. در این بحث منظور ما از سنت همان اصطلاحی است که مورد توجه محدثین می‌باشد. زیرا تعریف آن‌ها جامع و شامل است.

سنت، در اصطلاح محدثین، هر چه از پیامبر (ص) نقل شده است از گفتار و رفتار و یا تقریر (اقرار و سکوت پیامبر) یا صفات طبیعی (خلقتی) و اخلاقی حتی حرکات و سکناش در خواب و بیداری را به عنوان سنت معرفی نموده‌اند. (القاسمی: ۳۵)

از این دانسته می‌شود که علمای حدیث، بحث شان در مورد شخص رسول الله (ص) به عنوان امام و پیشوا می‌باشد که الله متعال، از وی به عنوان الگو و اسوه برای جهانیان یاد کرده است. بنابراین آن‌ها هر آن‌چه را که به رسول الله (ص) مربوط است، اعم از: سیرت، اخلاق، شماتل، اخبار، اقوال و افعال، نقل کرده‌اند؛ چه آن موارد، موجب حکم شرعی باشند و چه آن موارد، هیچ حکمی را ثابت نکنند. (الخطیب السنة قبل التدوین، ۱۹۸۰م، ۱۸. و شاهین ۱۳)

تعریف حدیث: اکثر دانشمندان در بخش‌های مختلف گاهگاه سنت را بجای حدیث و حدیث را بجای سنت بکار می‌برند، لذا لازم می‌دانم که واژه حدیث را نیز بشناسیم.

دکتر مروان محمد شاهین معتقد است که حدیث در لغت سه معنی دارد: اول: حدیث به معنی جدید و نو که ضد قدیم است. دوم: حدیث به معنی خبر و گزارش آمده است. مانند گفته الله

متعال: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ [النازعات: ۱۵] «آیا خبر داستان موسی به تو رسیده است».

سوم: حدیث به معنی کلام و سخن آمده است مانند قول الله متعال: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

كِتَابًا مِّنْ سَابِقِهَا﴾ [الزمر: ۲۳] «الله متعال بهترین سخن را فرو فرستاده است، کتابی را که همگون و

مکرر است». (شاهین، ۱۱)

و حدیث در اصطلاح عبارت است از: هر آن‌چه که از قول یا فعل یا تقریر یا صفتی (ظاهری یا اخلاقی) حتی حرکات و سکناش در خواب و بیداری که به پیامبر صلی الله علیه و سلم نسبت داده می‌شود. (السخاوی: ۲۰۰۳، ۱/ ۲۲)

تفاوت بین واژه‌ی سنت و حدیث: هر چند بعضی تفاوت‌های لغوی دقیق بین این دو واژه‌ی (سنت / حدیث) وجود دارد با این وجود این دو کلمه در استعمال شرعی و اصطلاحی مساوی و مترادف هستند.

دکتر صبحی صالح می‌گوید: هر چند در مواقع بسیاری «سنت» به چیزی اطلاق شده که لفظ «حدیث» به آن اطلاق نشده است با این وجود احساس یکسانی شان در دلالت یا - حداقل - نزدیکی میان آن‌ها پیوسته ناقدین حدیث را فرا گرفته است، که آیا سنت عملی چیزی جز همان روش پیامبر (ص) است که با سخنان حکیمانه و احادیث پویا و هدایتگرش آن را ارائه نموده است؟ و آیا موضوع حدیث مغایر با موضوع سنت است؟ مگر هر دو به دور یک محور در گردش نیستند؟ مگر هر دو نشأت گرفته از پیامبر (ص) و منتهی به آن بزرگوار نیستند که گفتارش مؤید رفتارش، و رفتارش عین گفتارش است؟

آنگاه که این سؤالات به ذهن ناقدان خطور کرد چاره‌ی در این نیافتند که با صراحت بپذیرند که حدیث و سنت با صرف نظر از ریشه‌ی پیدایش هر دو کلمه یکی هستند. پس مانعی در قبول نظر اکثر علمای حدیث مبنی بر مترادف بودن این دو کلمه یافت نمی‌شود. (صبحی: ۱۹۸۴م، ۹-۱۰) شیخ ابوزهو می‌گوید: سنت به این معنی نزد آنان با حدیث پیامبر (ص) مترادف و هم معنی است. (ابوزهو ۱۳۷۸هـ-، ۱۰) حافظ سخاوی می‌گوید: حدیث از سنت عام تر است، ولی به‌طور اغلب در نزد محدثین معنای مترادف را افاده می‌کنند. (السخاوی: ۲۰۰۳م، ۱/ ۲۲)

بنابراین معنی سنت و حدیث نزد محدثین یکی است از این جهت که می‌توان یکی را به جای دیگری به کار برد، چون در هر کدام از آن‌ها قول یا فعل یا تقریر یا صفتی به پیامبر نسبت داده شده است.

اما مستشرقین هم‌چو گلدزیهر اصرار می‌ورزد که باید اصطلاح «حدیث» و اصطلاح «سنت» را از هم جدا دانست. چون این دو کلمه دارای معنای واحدی نیستند بل که سنت به منزله دلیل برای حدیث می‌باشد. (گلدزیهر: (ب.ت) ۴۹)

گلدزیهر با این گمان خود تفاوتی میان معانی لغوی و معانی اصطلاحی دو واژه حدیث و سنت قائل نشده است، بل که او به علت بی‌توجهی به اصطلاحات محدثین موضوعات را با یکدیگر خلط کرده است، به طوری که حتی اظهار می‌دارد که وجود اختلاف در معنی کلمه (حدیث) و (سنت) گویای نوعی آشفتگی در اندیشه مسلمانان است. (الأعظمی: ۱۹۸۰م، ۱/ ۸۵)

لازم به ذکر است که عده از مستشرقین چون گلدزیهر ادعا می‌دارند که دو واژه «سنت» و «حدیث» عربی نیستند، بل که «واژه» سنت از کلمه عبری (مشناه ۱) گرفته شده است: و می‌گوید «حتی در اسلام هم این ایده منزلت خود را دارد، منظورم قانون مقدس دیگری است که در کنار قرآن محترم شمرده می‌شود چه مکتوب باشد و چه شفاهی چنان که در بین یهود مشاهده می‌شود». (گلدزیهر: ۴۹)

مستشرق دیگر فرید غیوم می‌گوید: واژه حدیث از کلمه عبری یهودیان «هداش» گرفته شده است که به معنی جدید و یا به معنی اخبار و داستان می‌باشد. (طه: ۱۹۹۶م، ۶۲) هدف از ایراد این شبهه نفی عربی بودن دو واژه حدیث و سنت است.

جای تعجب این است که گلدزیهر به افتراء سابق الذکر اکتفاء نورزیده بل افتراء جدیدی را بیان داشته و می‌گوید: که این اصطلاح در اصل اصطلاحی جاهلی می‌باشد که اسلام آن را پذیرفته و از آن دوره اقتباس کرده است، هم کیشانش شاخ و مارغولیوت هم از او تبعیت کرده‌اند، (الأعظمی: ۱۹۸۰م ۵/۱)

در این مورد قاسم احمد امین در تبعیت از مستشرقین می‌گوید: آنچه لازم است که مسلمانان در آن دقت نمایند، شباهت بسیاری است که در میان این نظر و نظر یهودیان قدیم درباره وحی کتبی و شفاهی موجود است. تلمود یهودیان هم حاوی مشناه و جماره می‌باشد که مشابه حدیث و سنت اسلامی می‌باشد. و آن‌ها عبارتند از مجموعه آموزه‌های شفاهی روحانیان (حاخام‌ها) و عالمان بزرگ یهودی که در واقع تفسیر و شرح کتاب‌های مقدس در طول زمان می‌باشد که از زبان یهودا جولدن دانشمند یهودی روایت شده است. (قاسم: ۱۹۹۷ م. ۷۸-۷۹)

دکتور رثوف شلبی در رد این شبهات می‌گوید: در حقیقت عقل هیچ پژوهش‌گر امانتداری ادعای یهود و کسانی که از آن‌ها پیروی کرده‌اند را نمی‌پذیرد، که عربهای مسلمان اولیه، «مشنات» را به «سنت» و «هداش» را به «حدیث» تعریب کرده باشند.

۱ - ابن قیم جوزیه در کتاب «اغائة اللہفان» ۲/۳۲۳-۳۲۴. می‌گوید: مراد از کلمه مشنات کتابی است که علمای یهود آن را در زمان بابلی‌ها و فارس‌ها، و دولت‌های روم یونان نوشته‌اند که کتاب الاصغر خوانده می‌شود و در حدود هشتصد صفحه بوده است. اما تلمود، کتاب الاکبر است و علمای یهود آن را همراه با کتاب مشنات نوشته‌اند، و حجم آن در بزرگی به نصف بار یک شتر می‌رسد، و علمایی که آن را نوشته‌اند هم عصر نبوده‌اند بلکه نسلی بعد از نسلی آن را نگاشته‌اند، و آنگاه که متأخرین به تألیف کتاب نگاه کردند که به مرور زمان به آن افزوده می‌شود، دریافتند که در این افزایش‌های متأخر چیزهای یافت می‌شود که مخالف اوائل کتاب است و دانستند اگر مانع این افزایشها نشوند، کار کتاب منتهی به شکاف و دوگانگی‌ای می‌شود که جبران‌ش امکان ندارد. لذا آن را منع و قطع کردند و به علماء هشدار دادند که از افزودن و زیاد کردن حجم کتاب خودداری کنند و افزودن و افزایش را تحریم کنند و گفتند که به همین مقدار کفایت کنند.

اولاً: به خاطر عدم وجود شباهت در حروف و ساختار کلمه‌ها.

ثانیاً: به خاطر استعمال این دو واژه در شعر دوران جاهلی قبل از اسلام هم‌چنان‌که الله متعال در قرآن و هم پیامبرش این دو کلمه را به شکلی که بیانش گذشت استعمال فرموده‌اند. بنابراین دیگر جایی برای بحث در این‌که واژه سنت، تعریب کلمه مشنات و واژه حدیث، تعریب واژه هداش باشد، باقی نمی‌ماند. بنابراین دو واژه در اصل لغت عرب‌ها است و صراحتاً در کتاب آسمانی، و حدیث پیامبر گرامی (ص) آمده است. و بسیار فرق است میان دلیل آشکار و روش اسلام، و دلیل انحرافی آن‌هایی که به سزای کارهایی که انجام داده‌اند از سوی پیامبرانشان داود و عیسی بن مریم صلی الله علیه وسلم نفرین شده‌اند. (شلیبی رؤوف: ۱۹۷۸م، ۳۲ - ۳۶)

دکتور اعظمی می‌گوید: بر همین اساس آنچه گلدزیهر گفته است که سنت مصطلح جاهلی است و اسلام آن را به کار گرفته است، ادعای بی‌دلیلی است، و با دلایل معلوم تضاد دارد. اساساً استفاده جاهلی‌ها و بت‌پرستان از یک واژه (هر چه باشد) در مفهوم لغوی آن به آن واژه لباس معینی نمی‌پوشاند، و آن را به یک واژه جاهلیت بدل نمی‌کند، به‌ویژه اگر استفاده‌های مختلف‌شان از همان کلمه را مدنظر قرار دهیم، در غیر این صورت همه لغات زبان عربی اصطلاحاتی صرفاً جاهلی می‌شوند و این را هیچ عاقلی نمی‌پذیرد. (الأعظمی: ۱۹۸۰م، ۷/۱)

تعریف استشرق (شرق شناسی) در لغت و اصطلاح: استشرق یا شرق شناسی در لغت: استشرق از فعل «شرق» گرفته شده است؛ شرق الشمس یعنی خورشید طلوع کرد، مشرق یعنی جایگاه طلوع، و گفته می‌شود: شتان بین المشرق و بین المغرب: بسیار دور است فاصله بین مشرق و مغرب، و شرقوا: یعنی به طرف شرق رفتند، و هر چه از جهت مشرق بیاید شرق نامیده می‌شود. (الفیروزآبادی: ۲۰۰۵م، ۲۴۱/۳، و الرازی: ۱۹۹۹م، ۳۳۶).

بر این اساس فعل استشرق: یعنی خواستار مطالعه آن‌چه به شرق مربوط شده است می‌باشد. - الف و سین و تاء - در هر فعلی باشد طلب را می‌رساند مانند استغفر: درخواست بخشش کرد. استشرق در اصطلاح: علم شرق شناسی، یا علم عالم شرق است. و این تعبیری است که غربی‌ها به مطالعاتی که به شرق ارتباط دارد اطلاق کرده‌اند، یعنی به مطالعات قومیت‌ها، تاریخ آن‌ها، آیین‌ها، زبان‌ها و وضعیت جامعه، و کشورها، و جغرافیا و تمدن آن‌ها، و هر چه که به مردم شرق مربوط می‌شود و این معنی کلی استشرق می‌باشد.

معنی ویژه دیگری هم دارد که هدف اساسی غربی‌هاست، و آن: مطالعه اسلام و ملت‌های اسلامی در جهت خدمت به اهداف تبشیری و تبلیغی خودشان، این از یک طرف، از طرف دیگر خدمت به پروسه استعمار غربی در کشورهای اسلامی است. به علاوه انجام مطالعات لازم جهت مبارزه با اسلام و نابود کردن امت اسلامی. (میدانی: ۱۹۹۴م، ۵۰، و زقزوق: ۲۴)

آنچه در اینجا مورد نظر ماست همین معنی خاص استشراق است، که در جهان عربی و اسلامی هنگام گفتن واژه استشراق یا مستشرق ذهن متوجه آن می‌شود، و در تألیفات خود مستشرقین هم مشهود و ملحوظ بوده است. (زقروق: ۲۵، و غراب، ۱۴۱۱هـ. - ۷)

استشراق با تعریف ویژه‌ای که گذشت، موضع‌گیری عقیدتی و فکری ضد اسلامی است که کافران و بعضی از اهل کتاب مسیحی و یهودی را در برابر دین اسلام قرار می‌دهد.

تعریف تدوین: تدوین در لغت: واژه «تدوین» از ریشه «دَوَّنَ» بوده، و در اصل فارسی و معرب است. به معنای ثبت و ضبط امور پراکنده و گردآوری متفرقات در یک دیوان است؛ از جمله جمع‌آوری، تنظیم و مرتب ساختن مطالب و صحیفه‌ها در قالب یک کتاب. (ابن منظور: ۱۴۱۴هـ - ۱۳/۱۶۶، والفیروزآبادی: ۲۰۰۵ م ۲۲۶/۴، والزبیدی، ۲۰۴/۹)

در القاموس المحيط آمده: «التدوین مجتمع الصحف»؛ یعنی، گردآوردن صحیفه‌هاست. بر این اساس، تدوین در این معنا گسترده‌تر از «نوشتن» به معنای محدود آن است.

تدوین سنت عبارت است از: جمع‌آوری احادیث متفرق در یک صحیفه، و این مرحله در ربع اخیر قرن اول هجری آغاز گردید، تا این که به اوج قله کمال رسید. البته باید یاد آور شویم که تدوین سنت فقط بر نوشتن قائم نمی‌باشد بل که شامل حفظ و نوشتن است.

دیدگاه مستشرقین و پیروان آن‌ها در مورد حرکت تدوین سنت نبوی: مستشرقین در مورد تاریخ تدوین سنت دیدگاه واحد ندارند، بل که بر اساس تخیلات ظن و گمان‌ها نظریات متعدد و متناقض را ارائه نموده‌اند؛ که ذیلاً برخی از آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

عده از مستشرقین می‌گویند که سنت تا آغاز قرن دوم هجری نوشته نشده بود، زیرا اولین کسی که همت به نوشتن آن نمود عمر بن عبدالعزیز بود که در سال ۱۰۱ هـ وفات یافت. (ابوری: ۱۹۹۱م، ۲۶۰)

این دیدگاه را مستشرق مویر درست می‌داند، و می‌گوید ولی تا نیمه قرن دوم کدام کتاب نوشته شده است. و اما مستشرق شاخت، غیوم و روث تدوین توسط عمر بن عبد العزیز را دروغ می‌پندارند.

«شیرنجر» در کتاب خود «الحديث عند العرب» می‌گوید: که زمان شروع تدوین و نوشتن احادیث در قرن دوم هجری بوده است، و سنت فقط به روش شفاهی و گفتار بود.

گلد زیهر یک فصل مخصوصی را درباره تدوین حدیث در کتاب خود به نام «دراسات إسلامیه» نوشته است، و در مورد صحت وجود صحیفه‌های در زمان حضرت پیامبر شک و تردید مطرح می‌نماید. و هم‌چنان می‌گوید: قسمت عمده حدیث اصل تطور دینی و سیاسی و اجتماعی در قرن اول و دوم بود و این که گفته شده است حدیث سند و مدرکی برای اسلام در زمان اولیه بوده است،

درست نمی‌باشد، زیرا تدوین احادیث از آثار تلاش مسلمانان در زمان‌های بعدی و در زمان کمال و پیشرفت آن‌ها می‌باشد. (گلدزیه: ۲۵۱) این ادعای گلدزیه مبتنی بر همان اندیشه آن‌هاست که احادیث نبوی از انجیل اقتباس گردیده، و تمام علوم و معارف اسلامی را به آن ارجاع می‌دهند. (بروکلمان: ۷۱، وبوکای: ۱۹۹۶م. ۱۵۲)

این ادعای گلدزیه سنگ بنای نظریه ساخت و تمامی شبهه افکنان در مورد سنت نبوی می‌باشد. مصطفی مهدوی می‌گوید: آنچه که ثابت است این است که احادیث بعد از زمان طولانی پس از وفات پیامبر تدوین شد و در آغاز سال ۳۰۰ هجری نوشته شد. (مهدوی: ۱۹۹۰م، ۲۵) سپس تناقض گویی کرده و به ائمه مسلمانان دروغ می‌بندد و می‌گوید: جمهور فقها اتفاق دارند بر این که تدوین این میراث در اواسط قرن دوم هجری شروع شد. (مهدوی، ۹۱) این تناقض گویی از روی نا آگاهی و یا هم از روی عمد و برای گمراه کردن خواننده می‌باشد.

سعید عشاوی می‌گوید: احادیث در عصر تدوین و دوره اول عباسی و در نیمه دوم قرن دوم جمع‌آوری شد. (العشاوی: ۱۹۹۵م. ۸۱ - ۸۴) عبدالجواد یاسین در السلطة فی الاسلام و احمد صبحی منصور نیز بر همین نظر اند. (منصور: ۱۹۹۵م. الحسبة ۸، وعذاب القبر: ۶) و محمود ابوریه معتقد است که تدوین مورد اعتماد از دیدگاه جمهور در حدود نیمه دوم قرن سوم تا قرن چهارم بوده است. (ابوریه: ۲۶۸) و عده‌ی می‌گویند که جمع‌آوری سنت از دو قرن تا چهار قرن بعد از وفات پیامبر طول کشید. (حامد: ۱۹۹۴م، ۱۲۶، و البنا: ۲۰۰۳م، ۲۷۵) اسماعیل منصور و محمد شحرور معتقد اند که تاریخ تدوین در سال ۲۵۰هـ - بوده است. (جوده: ۱۹۹۵م، ۲۸۸، وشحرور: ۲۰۰۸، ۵۶۵) محمد حسین هیکل می‌گوید: در عصر مأمون متوفی سال ۲۱۸هـ - بوده است. (هیکل: ۱۹۹۶م. ۵۵) و دکتور علی حسن عبدالقادر آن را سال ۲۰۰هـ - می‌داند. (عبدالقادر: 2014، ۱۱۹)

به‌طور فشرده باید خاطر نشان ساخت که این نظریات هیچ پایه و اساس علمی ندارد؛ زیرا نامه‌های پیامبر (ص) به والی خودش عمرو بن حزم و کتاب‌های وی در باب صدقات و دیات و فرائض و سنن، این نظریات را رد می‌کند. و هم‌چنین نوشته‌ی عمر به والی اش عتبه ابن فرقد در مورد منع از پوشیدن حریر و نوشته‌های او در مورد زکات و خراج و مسایل مالی دیگر، و ابوبکر صدیق به والی اش به نام انس بن مالک هنگامی که او را به بحرین فرستاد. آیا این مسایل از احادیث احکام فقهی نیستند؟ آیا این‌ها در نیمه قرن دوم هجری درست شدند؟!

هدف مستشرقین از ادعای تأخیر در تدوین سنت نبوی: هدف مستشرقین - و پیروان آن‌ها - از این سخنان بی اساس و متناقض این است که تدوین سنت بعد از مدت طولانی بعد از وفات پیامبر صورت گرفته است. و از آثار تأخیر تدوین حدیث بعد از سده اول هجری این

بود که ابواب روایت گشوده شد، جعل و تزویر بی قاعده و قانون وارد اسلام شد و بسیاری از آنها در شرق و غرب سرزمینهای اسلامی پخش شدند و به صحت احادیث ضعیف اعتماد شد و هیچ انسانی به نقل سنت نبوی اطمینان نمی کرد. (ابوریه: ۱۹۹۱م، ۲۶۸، و البنا: ۱۹۹۷م، ۲۶۲) و مسلماً سنت در طی این مدت دچار تحریف و فساد گردیده است. در سنت تبدیل و تکثیر واقع شده است مانند کتاب‌های اهل کتاب در امت‌های قبلی. (ابوریه: ۲۵۸-۲۵۹)

محدثین و فقهاء نیز به این که حکام و سلاطین به آنها انفاق کرده‌اند، احادیث برای آنها وضع و جعل نمودند، تا سلطنت و پادشاهی آنها ثابت شود. (نیازی: ۱۹۹۷م، ۶۲، و ۹۲)

همین دروغ را احمد امین نیز ذکر نموده و می گوید: نمی توانی شاخه‌های فقهی مورد اختلافی را ببینی مگر حدیثی که این را تأیید کند و حدیث دیگری آن را تأیید کند. (امین: ۱۹۵۹م، ۲۱۴)

علی شهرستانی می گوید: سنت متداول امروزه سنت رسول الله (ص) نیست بل که آن سنت مردانی است که از ابواب و مفردات عظیم آن هستند، و در جای دیگر سنت مطهر را به فقه الرجال توصیف کرده است. (الشهرستانی: ۱۴۲۰هـ. - ۳۰۲)

در واقع مستشرقین با این شبه‌اندازی‌ها و تشکیک‌ها می‌خواهند اطمینان مردم را نسبت به سنت نبوی و حفظ آن در سینه‌ها کم کنند و هم‌چنین می‌خواهند صحت احادیث را مورد پرسش ببرند.

دیدگاه محدثین در مورد حرکت تدوین: محدثین کرام معتقد اند که جمع آوری و تدوین سنت نبوی مراحل مختلف را پشت سر گذاشته است که شامل کتابت سنت، تدوین و تصنیف آن می‌باشد، گاهی این مراحل از یکدیگر متمایز نبوده بل که متداخل است.

بدین ترتیب سنت نبوی از زمان نبوت تا زمان ظهور تصنیفات جدید از سه مرحله عبور کرد، چنان که علامه فواد سزکین در کتاب تاریخ التراث العربی می‌گوید: کتابت حدیث به مراحل زیر تقسیم می‌شود:

الف) کتابت احادیث: احادیث در این مرحله در رساله‌های واحدی که نام آنها صحیفه یا جزء بود، نوشته شدند. ب) تدوین حدیث: در این مرحله نوشته‌های متفرق جمع‌آوری شدند.

ج) تصنیف حدیث: در این مرحله احادیث رتبه‌بندی شدند و مضامین آنها با هم در فصول و ابواب مطابقت داده شد و همین استمرار یافت تا این که در اواخر قرن دوم هجری، روش‌های دیگری در ترتیب احادیث، آشکار شدند، که یکی از آنها المسند می‌باشد. (سزکین: ۱۹۹۱م، ۱/۱۱۹)

کتابت حدیث: کتابت: در لسان العرب آمده است که معنی آن نوشتن می‌باشد یعنی چیزی را به رشته تحریر درآوردن است. (ابن منظور: ۱۴۱۴هـ. - ۱/۶۹۸)

کتابت احادیث یعنی نوشتن احادیث رسول الله در صحیفه‌ها، این مرحله در زمان نبوت و صحابه و اوایل عصر تابعین صورت پذیرفت، لیکن بسیاری از افراد منع از کتابت را با منع از تدوین اشتباه

می‌گیرند و آن‌ها را با هم خلط می‌کنند و در درک آن دچار خطا و اشتباه می‌شوند و می‌گویند سنت پیوسته در سینه‌ها محفوظ ماند و تا زمان عمر بن عبدالعزیز هیچ چیزی نوشته نشد. اگر حقیقت کتابت و تدوین را می‌فهمیدند و فرق بین آن دو را درک می‌کردند دیگر دچار تعارض و سردرگمی نمی‌شدند، و هرگز نمی‌گفتند که تدوین همان کتابت است. بر همین اساس بزرگان گفته‌اند که سنت در اواخر قرن اول تدوین شده است و این گفته به معنای کتابت نمی‌باشد بل که به درجه تدوین نرسید یعنی در یک دفتر جمع‌آوری نشد. (عبدالمهدی: ۱۹۸۹م، ۹۴ - ۹۷)

روی همین ملحوظ دکتور مصطفی اعظمی در کتابش دراسات فی الحدیث النبوی فصل اول از باب چهارم را در بیان «کتابت صحابه و آنچه که در حین حیاتشان در مورد آن‌ها نوشته شده» و فصل دوم در مورد «کتابت بزرگان تابعین و آنچه که در حین حیاتشان در مورد آن‌ها نوشته شده» اختصاص می‌دهد، و حتی تا زمان تدوین رسمی در زمان عمر بن عبدالعزیز و بعد از آن می‌باشد. (الاعظمی: ۱۹۸۰، ۷۶/۱، ۹۲، ۱۴۳-۱۶۷، ۳۲۵)

مشهورترین صحیفه‌ها در دوران رسول الله صلی الله علیه وسلم

از مجموع روایات دانسته می‌شود که رسول الله (ص) بعد از ممانعت از کتابت سنت اجازه نوشتن را برای صحابه دادند، و در زمان پیامبر (ص) نوشته‌های به صورت جزوه‌های کوچک به نام «صحیفه» تحریر یافته است، از آنجمله:

۱- صحیفه ابوبکر صدیق رضی الله عنه: ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها میگوید: پدرم

احادیث رسول الله (ص) تا پنجم حدیث جمع کرده و نوشته بود. (الذهبی: ۱۹۹۸م، ۱/ ۱۰)

۲- صحیفه علی رضی الله عنه: بخاری در صحیح خود از ابوجحیفه روایت کرده، قَالَ: قُلْتُ

لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: هَلْ عِنْدَكُمْ كِتَابٌ؟ قَالَ: "لَا، إِلَّا كِتَابُ اللَّهِ، أَوْ فَهْمٌ أُعْطِيَهِ رَجُلٌ مُسْلِمٌ، أَوْ مَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ. قَالَ: قُلْتُ: فَمَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ؟ قَالَ: الْعَقْلُ، وَفَكَأَنَّ الْأَسِيرَ، وَلَا يَقْتُلُ مُسْلِمٌ بِكَافِرٍ". (البخاری: ۱۴۲۲هـ-، ۱/ ۳۳) ابوجحیفه می‌گوید: از علی پرسیدم آیا در نزد

شما کتابی وجود دارد علی در جواب گفت: نه، غیر از کتاب الله تعالی و درک و فهمی که به مرد مسلمانی داده شده است، و به غیر از آنچه در این صحیفه هست چیزی در نزد ما نیست، گفتم در

این صحیفه چه چیزهایی وجود دارد؟ در جواب گفت موضوع حکم دیه و آزاد کردن اسیر و این که مسلمان به قصاص قتل کافر کشته نمی‌شود. قسطلانی در شرح این صحیفه نوشته است: صحیفه ای بود نوشته شده و به قبضة شمشیر او آویزان بود، (قسطلانی: ۱۳۲۳هـ - ۱/ ۲۰۴) و برخی ترجیح

می‌دهند که عبارت علی: به غیر از آنچه در این صحیفه هست» اشاره به همان منشور وحدت شهروندان مدینه بوده، که پیامبر (ص) در سال اول هجرتش به مدینه، به منظور حفظ حقوق تمام شهروندان - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - دستور داد آن منشور را با همین سرآغاز بنویسند: «

هَذَا كِتَابٌ مِنْ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ مِنْ قُرَيْشٍ وَيَثْرِبَ، وَمَنْ تَبِعَهُمْ فَلَحِقَ بِهِمْ وَجَاهَدَ مَعَهُمْ إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ دُونِ النَّاسِ".

در این منشور عبارت «اهل هذه الصحيفة» پنج مرتبه تکرار شده است و مطالب مذکور «حکم دیه و آزاد کردن اسیر و ...» از بخش‌های مهم آن منشور بوده است. (صبحی: ۳۰)

۳- صحیفه سعد بن عبادہ انصاری: بنا به نقل بخاری این صحیفه نسخه‌ای از همان صحیفه عبدالله بن اوفی است که احادیثی را به دست خود استنساخ کرده و مردم نیز آن را در محضر او سماع و قرائت کرده‌اند. (صبحی: ۲۴)

۴- صحیفه جابر بن عبدالله: این صحیفه مشتمل بر احادیث مراسم حج بوده است. (ابن سعد: ۱۹۹۰م، ۳۴۴/۵) قتاده در باره اهمیت این صحیفه می‌گفت: «من برای حفظ صحیفه جابر به اندازه‌ی حفظ سوره بقره اهمیت می‌دهم. (بخاری: ب.ت، ۴/ ۱۸۲)

۵- صحیفه عبد الله بن عمرو بن العاص: که از بزرگترین جزوه‌ها و به گفته ابن اثیر مشتمل بر یک هزار حدیث بوده و از معروف‌ترین صحیفه‌ها به شمار می‌آید، و عبدالله با اجازه پیامبر (ص) این احادیث را یاد داشت کرده است، این صحیفه به «صحیفه صادق» معروف است. (الرامهرمزی: ۱۴۰۴-۳۶۷، و المقریزی: ۱۴۱۹هـ، ۲/ ۳۳۲)

۶- صحیفه سمره بن جندب: در این صحیفه احادیث بسیاری نوشته شده بود، ابن سیرین درباره آن گفته: در رساله سمره که برای فرزندانش فرستاده، علم بسیاری وجود داشت. (ابن حجر: ۱۳۲۶هـ، ۴/ ۱۹۸)

۷- صحیفه عبدالله بن عباس: عبدالله بن عباس آن را با خود به محافل علمی می‌برد، و به طور تواتر نقل گردیده که بعد از وفاتش کتاب‌های به‌جا مانده‌اش بار یک شتر بود. (ابن سعد: ۱۹۹۰م، ۵/ ۱۲۳، والخطیب البغدادی: ۱۹۷۴م، ۱۳۶)

۸- الصحیفه الصحیحۃ: صحیفه گردآوری ابوهریره که شاگردش تابعی معروف همام بن منبه از او روایت کرده است و بعد به صحیفه همام معروف گردیده است و این صحیفه همان‌گونه که ابوهریره احادیثش را روایت و همام آن را تدوین نموده عیناً به دست ما رسیده است و وجود این صحیفه و امثال آن این شایعه را که حدیث فقط در آغاز قرن دوم تدوین شده است به کلی تکذیب می‌کند. (صبحی: ۳۱)

۹- صحیفه عمرو بن حزم: پیامبر (ص) هنگامی که عمرو بن حزم را به یمن می‌فرستاد احادیثی را در باب صدقات و دیات و فرائض و سنن برایش نوشته نمود، که نسائی و ابو عبید قاسم آن را در الاموال استخراج کرده‌اند. (النسائی: ۱۹۸۶، ۵۷/۸)

۱۰- همچنین ثابت است که رسول الله (ص) نامه‌هایی به فرمانروایان و حکام شبه‌جزیره‌ی عرب نوشت و آن‌ها را به اسلام فرا خواند. (ابن‌سعد: ۲۲/۲-۵۶) همچنین به بعضی از امیران و فرماندهان دسته‌های اعزامی، نامه‌هایی می‌داد و می‌فرمود: تا به فلان مکان نرسیده‌اند، آن را نخوانند. کتاب‌های فوق‌الذکر و کتاب‌های فراوان دیگری (الاعظمی، ۸۴/۱-۱۴۲، و احمد: ۲۰۱۰م، ۴۶۳-۵۹۰) نیز با نوشتن سنت مطهر در عصر نبوت و صحابه میراث عظیمی در بخش سنت نبوی است. که ما را در فهم کتابت و تدوین سنت یاری می‌رسانند.

مطلب دوم: تدوین حدیث

مفهوم تدوین: مقصود از تدوین، جمع آوری نوشته‌های پراکنده می‌باشد که آن را در یک دیوان جهت حفظ و نگهداری جمع می‌کنند. (ابن منظور: ۱۴۱۴ هـ- ۱۳/۱۶۶. و الزبیدی: ۲۰۴/۹) تدوین حدیث: جمع آوری احادیث از لابلای نوشته‌های متفرق و پراکنده، و این مرحله در ربع اخیر قرن اول هجری آغاز گردیده، تا این که به اوج قله کمال رسید. البته باید یاد آور شویم که تدوین سنت فقط بر نوشتن قائم نمی‌باشد بل که شامل حفظ و نوشتن است. زیرا ضبط در نزد محدثین دو نوع است:

۱- ضبط صدر (حفظ و نگهداری در سینه) عبارت است از این که راوی آن چه را شنیده، در سینه و حافظه خود حفظ کند؛ به گونه‌ای که از هنگام دریافت حدیث تا زمان ادای آن، توانایی احضار و به یاد آوردن آن را هر زمان که بخواهد داشته باشد. (ابن حجر: ۱۴۲۲هـ-، ۵۵) بیشتر روایان حدیث در نقل و ادای حدیث بر این نوع ضبط تکیه داشتند و به نوشتن متوسل نمی‌شدند. از آنان در این زمینه توانایی‌ها و شگفتی‌هایی سر زده است کسی که خود آن را تجربه نکرده و صاحبان چنین حافظه‌ای را ندیده باشد، ممکن است در آن تردید کند یا آن را شگفت‌انگیز بشمارد.

۲- ضبط کتاب (ضبط و نگهداری به واسطه نوشتن): آن است که راوی کتابی را که در آن حدیث ثبت کرده است، از زمان تحمّل حدیث تا هنگام ادای آن، به گونه‌ای حفظ و صیانت کند که از هرگونه تغییر، تحریف، افزایش یا کاستی در امان بماند (أبوشهبه: ۱۴۰۳هـ-، ۹۲)

و به این واسطه نگهداری سنت نبوی در طول این عصور تبلیغ شد و بیشتر آن در قرون اولیه حفظ و نگهداری شد. (عبدالخالق: ۱۹۹۳م، ۳۹۹) هم‌چنان که پیداست حفظ، قویتر از کتابت می‌باشد چون از اشتباه دستوری و غلط‌ها به دور می‌باشد و هنگامی که حدیث مکتوب و حدیث مسموع با هم اختلاف پیدا می‌کردند، آن را بر نوشتن ترجیح می‌دادند.

آمدی می‌گوید: آنچه که به روایت در ترجیحات اول تعلق دارد آن است که یک روایت واحد به دو طریق یکی از طریق شنیدن و دیگری از طریق کتابت از نبی(ص) نقل شدند و روایت از طریق شنیدن اولی‌تر بود چون از اشتباه و غلط دستوری به دور بود. (الآمدی: ۲۰۰۴، ۴/ ۲۴۸)

تمام این‌ها دلالت دارند بر این که کتابت بدون حفظ نیرویی است که اهل حدیث و اصولیان به آن اقرار می‌کنند که بهترین وجه حفظ سخن بزرگان از طریق شنیدن است، و آن‌ها بر صحت روایاتی که از طریق شنیدن نقل می‌شوند، اتفاق نظر دارند(السیوطی: ۲/ ۸) و در صحت روایت از طریق تقدیم و نوشتار اختلاف نظر دارند و تصحیح هر دوی آن را ترجیح می‌دهند.

(السخاوی: ۲۰۰۳، ۲/ ۲۰)

فرق بین کتابت و تدوین

از آنچه گذشت برای ما آشکار می‌شود که کتابت غیر از تدوین است، پس کتابت مطلق به رشته تحریر درآوردن چیزی است بدون رعایت ترتیب و تنظیم و به صورت پراکنده، اما تدوین مرحله دیگر در کتابت است و از جمع اوراق نوشته شده، حاصل می‌شود که در یک دیوان حفظ می‌شوند.

(عبدالمهدی: ۱۹۸۹، ۹۷)

بر همین اساس عده از محدثین گفته‌اند که سنت در اواخر قرن اول نوشته شده است؛ اولین کسی که علم (حدیث) را نوشت ابن شهاب زهری بود و نقطه شروع و بکار بردن این تفسیر اشتباه از نظریه نوشتن و کتابت حدیث در اواخر قرن اول یا آغاز قرن دوم در عصر زهری، ناشی می‌شود و بنابراین باید این را اصلاح نمائیم که ابن شهاب زهری اولین کسی بود که شروع به تدوین و تصنیف احادیث نمود نه اولین کسی که کتابت آن را آغاز کرد. (احمد: ۲۰۱۰، ۲۸۱) و این گفته به معنای آغاز کتابت نمی‌باشد بل که به درجه تدوین نرسید یعنی در یک دفتر جمع‌آوری نشد.

دکتر عبدالمهدی می‌گوید: برخی معاصران از این سخنان این گونه استنباط نمودند که تدوین همان کتابت است و منشأ این خطا عدم تشخیص بین کتابت و تدوین بود. (عبدالمهدی: ۱۹۸۹، ۹۷)

بنابراین هنگامی که عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله علیه - امر به تدوین سنت نمود، نقطه شروع این کار از آن‌جا نبود بل که او به آثار مکتوب بجامانده از علمای سابقین اعتماد و اطمینان نمود. یقیناً تدوین سنت براساس آثار مکتوب در عصر نبی(ص) به پاخاست که به اذن خود پیامبر(ص) نوشته شده بودند، دلایل قوی و شواهد کثیری موید این مطلب است. (شاهین: ب.ت، ۶۸)

دانشمندان زیادی از معاصرین به این مطلب اشاره نموده‌اند؛ از آنجمله: دکتر محمد عجاج خطیب در کتاب السنة قبل التدوین و دکتر مصطفی اعظمی در کتاب، دراسات فی الحدیث

النبوی و دکتور امتیاز احمد در کتاب دلائل التوثیق المبکر للسنة والحديث، و دکتور رفعت فوزی عبدالملطوب در کتاب " توثیق السنة فی القرن الثانی الهجری أسسه واتجاهاته " ...

تصنیف در حدیث : تصنیف: تشخیص اشیاء از هم را تصنیف می‌نامند، (ابن منظور: ۱۴۱۴

ه-، ۱۹۸/۹) واما تصنیف حدیث یعنی این که احادیث رتبه بندی شدند و مضامین آن‌ها با هم در فصول و ابواب مطابقت داده شد. چنان که دکتور امتیاز می‌گوید: تصنیف دقیق‌تر از تدوین می‌باشد و آن ترتیب نوشته‌هائی است که در فصل‌های محدودی مرتب می‌شوند و دارای ابواب مشخصی می‌شوند. (احمد: ۲۰۱۰م، ۲۸۳-۲۸۴)

در این مرحله احادیث رتبه‌بندی شدند و مضامین آن‌ها با هم در فصول و ابواب مطابقت داده شد و این مرحله در یک چهارم دؤم قرن دوم شروع شد و همین استمرار یافت تا این که در اواخر قرن دؤم هجری، روش‌های دیگری در ترتیب احادیث، آشکار شدند، از آنجمله کتاب‌های المسند، به ترتیب نامهای صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم. (سزکین: ۱۹۹۱م، ۱۱۹/۱. وفوزی: ۱۹۸۱م. ۲۳) تا این که قرن سوّم هجری فرا رسید و سنت نبوی در بطن کتاب‌های معروفی که حالا در دسترس ما هستند، نوشته شدند و در رأس آن‌ها کتب سته قرار دارند وهم چنین می‌توان مسند امام احمد و مانند آن همان کتاب‌های که در اول قرن سوّم هجری و قرن‌های بعد از آن نوشته شدند از جمله سنن دارمی و دارقطنی و صحیح ابن حبان و ابن خزیمه و مصنف ابن ابی شیبه و سنن سعید بن منصور و سنن بیهقی و غیره... قرار دارند، و علما، این عصر را، عصر طلایی در سنت مطهر می‌نامند. (ابوزهو: ۱۳۷۸ه- ، ۳۱۶-۴۲۰، و شاهین: ۶۷-۹۰)

خلاصه دیدگاه محدثین این که احادیث نبوی به‌طور پراکنده و متفرق در حیات رسول الله و بعد از آن تا اخیر قرن اول ادامه داشته بعداً همین نوشته‌ها مدون گردید. و سپس در قرن دوم و سوم الی اخیر قرن چهارم مرتب و منسجم گردیده است.

۱- یافته‌ها نشان می‌دهد که ریشه اختلاف محدثین و مستشرقین، اختلاف در اصول بنیادی و مبانی و پیش‌فرض‌های فکری است:

الف: محدثین، سنت نبوی را وحی غیرمتلو و منبع مستقل تشریح می‌دانند.

ب: مستشرقین غالباً با رویکرد عقلانی و تاریخ‌گرایانه به سنت می‌نگرند و آن را پدیده‌ای بشری و تاریخی تلقی می‌کنند.

۲- اثبات تاریخی کتابت حدیث در عصر نبوی؛ تحقیق نشان می‌دهد که برخلاف ادعای بسیاری از مستشرقین:

الف: کتابت حدیث در عصر پیامبر اکرم ﷺ به‌طور محدود ولی واقعی وجود داشته است.

- ب: روایات نهی از کتابت حدیث، موقتی و دارای علت خاص بوده و با روایات اذن کتابت قابل جمع است.
- ج: وجود صحیفه‌هایی مانند صحیفه عبدالله بن عمرو بن عاص، صحیفه علی بن ابی طالب، و صحیفه ابوهریره شاهد روشن این امر است.
- ۳- یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از نظریات مستشرقین ناشی از خلط مفهومی میان مراحل تاریخی ثبت و ضبط سنت است:
- الف: محدثین میان کتابت (در قرن اول)، تدوین (در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم) و تصنیف (در قرن دوم به بعد) تفکیک دقیق قائل اند.
- ب: مستشرقین اغلب نبود «تصنیف رسمی» را به معنای نبود «کتابت یا تدوین» تلقی کرده‌اند که نتیجه‌ای نادرست است.
- ۴- فرمان عمر بن عبدالعزیز به ابن شهاب زهری نقطه عطفی در تدوین رسمی سنت بود. این اقدام نه آغاز سنت، بل که مرحله انتقال از حفظ فردی به ثبت سازمان‌یافته محسوب می‌شود. این واقعیت، ادعای «ساختگی بودن احادیث در قرن دوم» را تضعیف می‌کند.
- ۵- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، علم جرح و تعدیل، نقد اسناد، بررسی اتصال سند و ضبط روایان ابزارهایی علمی و دقیق برای پالایش حدیث بوده‌اند.
- ۶- بسیاری از فرضیه‌های مستشرقین در برابر این نظام نقدی، فاقد پشتوانه علمی کافی هستند.
- ۷- نظریه‌هایی چون نظریه گلدزیه‌ر و شاخ دربارۀ تأخر شکل‌گیری سنت، مبتنی بر نمونه‌های محدود و تعمیم ناروا است.
- ۸- شواهد حدیثی، تاریخی نشان می‌دهد که سنت نبوی پیش از شکل‌گیری مکاتب فقهی وجود داشته است، نه برعکس.
- ۹- اعتماد محدثین به حفظ (ضبط صدر) برخاسته از ضعف علمی نبود، بل که نتیجه فرهنگ حافظه‌محور عربی بود.
- ۱۰- همراهی حفظ با کتابت تدریجی، موجب انتقال دقیق سنت شد، برخلاف ادعای تحریف گسترده.
- ۱۱- بسیاری از مستشرقین با پیش‌فرض‌هایی مانند انکار وحی، تردید در نبوت و نگاه انتقادی به دین وارد پژوهش شده‌اند.
- ۱۲- این پیش‌فرض‌ها بر نتایج آنان تأثیر مستقیم گذاشته و باعث خوانش‌گزینشی منابع اسلامی شده است.

- ۱۳- روش محدثین، به دلیل اتکا به اسناد، رجال و قرائن داخلی، در بازسازی تاریخ سنت نبوی قابل اعتمادتر از روش صرفاً تاریخی مستشرقین است.
- ۱۴- روش‌های غربی، بدون درک منطق درونی علوم حدیث، به نتایج ناقص یا نادرست می‌آنجامد.
- ۱۵- ضرورت تعامل انتقادی، نه تقلیدی، با مطالعات مستشرقین.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با بررسی تطبیقی دیدگاه محدثین و مستشرقین درباره تاریخ تدوین سنت نبوی نشان داد که اختلاف اساسی میان این دو رویکرد، پیش از آنکه صرفاً تاریخی باشد، ریشه در مبانی و اصول بنیادی و پیش‌فرض‌های فکری دارد. محدثین با باور به حجیت سنت و وحیانی بودن آن، نظامی دقیق و منسجم برای حفظ، ثبت و نقد حدیث بنیان نهادند که از همان سده نخست هجری، انتقال سنت را به‌صورت قابل اعتماد تضمین کرد.

یافته‌های تحقیق آشکار ساخت که کتابت حدیث در عصر پیامبر اکرم ﷺ و صحابه امری مسلم و مستند بوده و ادعای تأخر مطلق تدوین سنت تا قرن دوم هجری، ناشی از خلط مفهومی میان مراحل «کتابت»، «تدوین» و «تصنیف» است. فرمان عمر بن عبدالعزیز به تدوین حدیث نه آغاز ثبت سنت، بل که مرحله‌ای تکمیلی و سازمان‌یافته در فرایندی تدریجی به‌شمار می‌رود که پیش‌تر پایه‌های آن نهاده شده بود.

هم‌چنین این تحقیق نشان داد که بسیاری از نظریات مستشرقین، به‌ویژه در آثار گلدزیهر و ساخت، بر فرضیه‌هایی استوار است که با شواهد حدیثی، رجالی و تاریخی سازگاری کامل ندارد و اغلب تحت تأثیر نگرش سکولار، تاریخ‌گرایانه و بی‌اعتمادی پیشینی به منابع اسلامی شکل گرفته است. در مقابل، اصول نقد حدیث نزد محدثین - شامل جرح و تعدیل، بررسی اتصال سند، ضبط راویان و نقد متون - از کارآمدترین الگوهای علمی برای ارزیابی نقل تاریخی به‌شمار می‌رود. در نهایت، تحقیق به این نتیجه می‌رسد که بازسازی تاریخ سنت نبوی بدون درک علوم حدیث و منهج محدثین، به نتایج ناقص یا تحریف‌شده می‌آنجامد. از این رو، تعامل با مطالعات مستشرقین باید نه تقلیدی و پذیرش‌گرایانه، بل که انتقادی و در چارچوب روش علمی اسلامی باشد. چنین رویکردی می‌تواند ضمن پاسخ‌گویی به شبهات معاصر، جایگاه علمی سنت نبوی را به‌عنوان منبعی معتبر و اصیل در منابع اسلامی تثبیت کند.

پیشنهادها

از لابلای این تحقیق دریافتم که برخی نواقص در این عرصه وجود دارد و نیاز مبرم به واکاوی دارد بنابراین پیشنهادات ذیل را تقدیم جامعه علمی می‌نمایم.

۱- تحقیقات آینده با تمرکز بر مقایسه دقیق در میان اصول و مبانی محدثین و مستشرقین انجام شود تا تفاوت نگاه‌ها به حجیت سنت به صورت شفاف‌تر تبیین گردد.

۲- آثار مستشرقین برجسته مانند گلدزیهر، شاخ و غیره با رویکرد نقد درون‌متنی و برون‌متنی و با تکیه بر منابع اصیل حدیثی، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

۳- تألیف آثار علمی و آموزشی به زبان‌های مختلف با هدف پاسخ مستدل به دیدگاه‌های مستشرقین و عقل‌گرایان معاصر درباره سنت نبوی، یک ضرورت علمی و فرهنگی به‌شمار می‌رود.

منابع

- القرآن الكريم
ابن حجر، أحمد بن على العسقلانى (۱۳۲۶هـ-) تهذيب التهذيب، الهند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.
- ابن حجر، أحمد بن على العسقلانى، (۱۴۲۲هـ-). نزهة النظر فى توضيح نخبة الفكر. تحقيق: عبد الله بن ضيف الله الرحيلى، الرياض: مطبعة سفير.
- ابن سعد، أبو عبد الله محمد بن سعد (۱۴۱۰هـ - ۱۹۹۰م) الطبقات الكبرى. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن منظور. محمد بن مكرم، (۱۴۱۴هـ-). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- أبو زهو محمد محمد (۱۳۷۸هـ-) الحديث والمحدثون. القاهرة: دار الفكر العربى.
- أبورية، محمود، (۱۹۹۱) أضواء على السنة المحمدية. القاهرة: دار المعارف.
- أبوشهبة، محمد بن محمد بن سويلم (۱۴۰۳هـ-) الوسيط فى علوم ومصطلح الحديث، القاهرة: دار الفكر العربى.
- احمد، دكتور امتياز، (۲۰۱۰م) دلائل التوثيق المبكر للسنة والحديث. ترجمه وتحقيق عبد المعطى قلعجى، دمشق: دار قتيبة للطباعة والنشر.
- الأعظمى، دكتور محمد مصطفى الأعظمى، (۱۹۸۰م) دراسات فى الحديث النبوى وتاريخ تدوينه، بيروت: المكتب الاسلامى.
- أمين، أحمد (۱۹۵۹م). فجر الاسلام، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- الأمدى، أبو الحسن على بن أبى على، (۲۰۰۴) الأحكام فى أصول الأحكام. بيروت: المكتب الإسلامى.
- البخارى، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل (۱۴۲۲هـ-) صحيح البخارى. مصر: دار طوق النجاة.
- البخارى، الإمام أبو عبد الله محمد بن إسماعيل (ب.ت) التاريخ الكبير. حيدر آباد: دائرة المعارف العثمانية.
- بروكلمان، كارل. (ب.ت) تاريخ الشعوب الإسلامية، بيروت: دار العلم.
- البنّا: دكتور جمال. (۲۰۰۳) الأضلال العظيمان، الكتاب والسنة، رؤية جديدة، القاهرة: مطبعة حسان.
- البنّا، دكتور جمال. (۱۹۹۷م) السنة ودورها فى الفقه الجديد. القاهرة: دارالفكر الإسلامى.
- بوكاى: موريس، ۱۹۹۶م. دراسة الكتب المقدسة فى ضوء المعارف الحديثة، مكتبة مدبولى الكبير.
- جوده، اسماعيل منصور، (۱۹۹۵م) تبصير الأمة بحقيقة السنة. القاهرة: دارالفكر الإسلامى.
- حامد: دكتور نصر أبو زيد، (۱۹۹۴م) نقد الخطاب الدينى، القاهرة: دار سينا.

الخطیب البغدادی أبو بكر أحمد بن علي (۱۹۷۴م) تقييد العلم. دمشق: دار إحياء السنة النبوية. الخطيب، دكتور محمد عجاج، (۱۹۸۰م) السنة قبل التدوين. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

الذهبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد (۱۹۹۸م) تذكرة الحفاظ. بيروت: دار الكتب العلمية. الراهرمزى، أبو محمد الحسن بن عبد الرحمن بن خلاد الفارسي (۱۴۰۴هـ-) المحدث الفاصل بين الراوى والواعى. بيروت: دار الفكر.

الرَّيِّدِي، مُحَمَّد بن مُحَمَّد، (ب.ت) تاج العروس. دمشق: دار الهداية. زقزوق، دكتور محمود حمدى زقزوق. (ب.ت) الاستشراق والخلفية الفكرية للصراع الحضارى، القاهرة: دار المعارف.

سباعى، دكتور مصطفى بن حسنى. (۱۹۸۲م). السنة ومكانتها فى التشريع الاسلامى. بيروت: المكتب الإسلامى.

السخاوى، محمد بن عبد الرحمن، (۲۰۰۳م). فتح المغيـث بشرح ألفية الحديث. مصر: مكتبة السنة. سزكين، فواد، (۱۹۹۱) تاريخ التراث العربى. السعودية: منشورات جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية.

السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، (ب.ت) تدريب الراوى فى شرح تقريب النواوى. المدينة المنورة: دار طيبة.

شاهين دكتور مروان (ب.ت) تيسير اللطيف الخبير فى علوم حديث البشير النذير. طنطا: مكتبة فوزى الشيمى للطباعة.

شحرور، الدكتور محمد، (۲۰۰۸م) الكتاب والقرآن قراءة معاصرة. دمشق: الأهالى للطباعة والنشر والتوزيع.

شلبى، دكتور رؤوف. (۱۹۷۸م) السنة الاسلامية بين اثبات الفاهمين و رفض الجاهلين، القاهرة: مطبعة السعادة.

الشوكانى، محمد بن على (۱۹۹۹م) إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول. بيروت: دار الكتاب العربى.

صبحى، دكتور إبراهيم الصالح. (۱۹۸۴م) علوم الحديث ومصطلحه - عرضٌ ودراسة. بيروت: دار العلم للملايين.

طه، دكتور عزية على. (۱۹۹۶م). منهجية جمع السنة و جمع الاناجيل. القاهرة: مؤسسة الرساله. عبدالخالق دكتور عبدالغنى، (۱۹۹۳م) حجية السنة، مصر: المنصورة. دار الوفاء.

عبدالقادري، دكتور على حسن، (2014) نظرة عامة في تاريخ الفقه الاسلامى. الأردن: مكتبة الجامعة الاردنية.

عبدالمهدى، دكتور عبدالقادري. (1989م) السنة النبوية، مكاتبتها، عوامل بقائها، تدوينها. القاهرة: دار الاعتصام للنشر والتوزيع.

العشماوى: محمد سعيد. 1995م. حقيقة الحجاب وحجية الحديث، مكتبة مدبولى الصغير.

غراب: دكتور أحمد، رؤية إسلامية للاستشراق، المنتدى الإسلامى، الطبعة الثانية 1411هـ-.

فوزى: دكتور رفعت. 1981م. توثيق السنة في القرن الثانى الهجرى، أسسه واتجاهاته، القاهرة: مكتبة الخانجى.

الفيروز آبادى، محمد بن يعقوب (2005م) القاموس المحيط. بيروت: مؤسسة الرساله للطباعة والنشر والتوزيع.

قاسم أحمد، (1997م). إعادة تقييم الحديث، القاهرة، دارالنديم للصحافة و النشر و التوزيع.

القاسمى ، محمد جمال الدين بن محمد.(ب.ت) قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث. بيروت: دار الكتب العلمية.

القسطلانى، أحمد بن محمد (1323 هـ-). إرشاد السارى لشرح صحيح البخارى. مصر: المطبعة الكبرى الأميرية.

القشيري، مسلم بن الحجاج النيسابورى (ب.ت) صحيح مسلم بيروت: دار إحياء التراث العربى.

گلدزیه، اگانز، (Ignaz Goldziher)، (ب.ت) العقيدة و الشريعة فى الإسلام، تاريخ التطور العقدى و التشريعى فى الدين الإسلامى، ترجمه دكتور على حسن عبدالقاهر، و محمد يوسف موسى، و عبدالعزيز عبدالحق، مصر: دار الكتب الحديثة.

المقرزى، أبو العباس أحمد بن على، الحسينى العبيدى، (1419 هـ-)، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار (المعروف ب--: الخطط المقرزية) بيروت: دار الكتب العلمية.

منصور، أحمد صبحى.(ب.ت) عذاب القبر و الثعبان الأقرع، القاهرة. دار طيبه للدراسات و النشر.

منصور، أحمد صبحى،(1995م) الحسبة، دراسة أصولية تاريخية، القاهرة: مركز المحروسة للنشر والخدمات الصحفية.

مهدوى، مصطفى كمال، (1990م) البيان بالقرآن، ليبيا: دارالآفاق الجديدة.

ميدانى، دكتور عبدالرحمن حبنكه، (1994م) أجنحة المكر الثلاثة و خوافيها دمشق: دار القلم.

نيازى: عز الدين، 1997م. دين السلطان. بيروت: الأهالى للطباعة والنشر والتوزيع.

هيكل: دكتور محمد حسين. 1996م. حياة محمد، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.